

بررسی تطبیقی رویکرد فریقین به قرآن

بامحوریت کتاب «فضل القرآن» کافی و «فضائل القرآن» صحیح بخاری*

- سیدمهدی علمی حسینی^۱
- سهیلا پیروزفر^۲
- غلامرضا رئیس‌ان^۳

چکیده

کافی و صحیح بخاری، دو جامع حدیثی برتر هر یک از فریقین است. این نوشتار، در پی تطبیق دو کتاب «فضل القرآن» کافی و «فضائل القرآن» صحیح بخاری با نگاه رویکردشناختی است. نویسنده، پس از «نمایه‌زنی روایات» هر دو کتاب، به «یک‌پارچه‌سازی نمایه‌ها» و «تعیین محورهای کلی» پرداخته و با استخراج «فراوانی هر یک از نمایه‌ها» به «درختواره موضوعی هر کتاب» رسیده است. «گزارش توصیفی هر کتاب» همراه با «تطبیق محورهای اصلی نمایه‌ها در دو کتاب» گام‌های بعدی محقق بوده است. در نهایت، ضمن تبیین مختصر

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث، پردیس بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) (sm.elmi@gmail.com).

۲. دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد (spirouzfard@um.ac.ir).

۳. استادیار دانشگاه فردوسی مشهد (raeisian42@yahoo.com).

«بایسته‌های تدوین کتابی حدیثی درباره قرآن کریم» به شاخص‌های چهارگانه: «فرستنده پیام، پیام، گیرنده پیام و مخاطب پیام» به عنوان محور کار اشاره شده است. پس از این، میزان تطبیق دو کتاب، با مدل پیشنهادی بیان شده است. تحقیق حاضر، تثبیت فرضیه نویسنده را مبنی بر اینکه «الکافی در مقابل صحیح بخاری، تصویری واقعی‌تر و دقیق‌تر از قرآن کریم ارائه کرده است»، نتیجه داده است.

واژگان کلیدی: قرآن، کافی، صحیح بخاری، فضل القرآن، فضائل القرآن، رویکردشناسی تطبیقی، روایات فریقین.

مقدمه

قرآن و حدیث به عنوان منابع اصلی دین، از ظرفیت‌هایی بی‌شمار برای تحقیق و پژوهش برخوردارند. در این میان، توسعه روش‌ها در تحقیقات اسلامی، ضرورتی انکارناشدنی است. از سوی دیگر، افزایش رویکرد به پژوهش‌های مقارن نیز ضرورتی جدی برای ارائه شناختی دقیق‌تر از مواضع اشتراک و اختلاف فریقین است. این نوشتار با درک ضرورت‌های فوق و توجه به دو جامع حدیثی اصلی فریقین، به انجام رسیده است. پرسش اساسی که ما را به انجام تحقیق حاضر واداشته، این است که «آیا بین شاگردان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و شاگردان مکتب خلفا در خصوص رویکرد به قرآن تفاوتی هست؟ و در صورت پاسخ مثبت، این تفاوت در چه عرصه‌هایی بیشتر رخ نموده است؟»

پاسخ ابتدایی آن است که از آنجا که اهل بیت علیهم‌السلام آگاهان به همه معانی قرآن بوده‌اند و نظر به دغدغه آنان در انتقال معارف از طریق شاگردان و نیز به سبب عدم امکان قیاس دانش دینی برجستگان مکتب خلفا با اهل بیت علیهم‌السلام، رویکرد متفاوت شاگردان این دو مکتب به قرآن کریم قطعی است و نمایه‌شناسی روایات کتاب فضل القرآن دو جامع اصلی حدیثی فریقین، «تبیین دقیق‌تر و واقعی‌تر» کتاب کافی را نتیجه می‌دهد.

روش تحقیق: پیشینه استقرار در علوم انسانی نیازمند توضیح نیست. در پژوهش‌های مرتبط با منابع دین - قرآن و حدیث - نیز یکی از آسیب‌های جدی، تحمیل نظریه‌ها و دیدگاه‌های علمی موجود بر این میراث است. از همین رو، در این تحقیق سعی شده

است با رویکردی متن‌پژوهانه، خاستگاه تحلیل‌های میانی و نتیجه‌گیری پایانی، اصل روایات گردآوری‌شده باشد.

فرایند کار به قرار زیر بوده است:

نخست: در خصوص یک‌یک روایات دو کتاب نمایه‌زنی موضوعی جزئی صورت پذیرفته است.

دوم: نمایه‌های موضوعی به دست‌آمده، در محورهای کلان‌تر جای‌گذاری شده است.

سوم: نمودار هر محور برای مقایسه دقیق‌تر وضعیت دو کتاب، آماده شده است. چهارم: بر اساس نمودارهای به دست‌آمده، توصیفی دقیق از نمایه‌های محوری در هر کتاب آماده شده است.

پنجم: بر اساس اطلاعات توصیفی به دست‌آمده، مقایسه هر نمایه محوری در دو کتاب انجام شده است.

ششم: بر اساس اطلاعات مقایسه‌ای به دست‌آمده، تحلیل کلی و نهایی کار تدوین شده است.

هفتم: پیشنهادات محقق درباره بایسته‌های گردآوری کتابی حدیثی درباره قرآن کریم به اختصار ارائه شده است.

هشتم: میزان تطبیق دو کتاب، با مدل پیشنهادی به اجمال و اختصار اشاره شده است.

اگرچه نگارنده در آغاز بدون مراجعه به روش‌های آکادمیک تحلیل محتوا فرایند کار را ترسیم نکرده است، به نظر می‌رسد تحقیق حاضر را بتوان در عداد پژوهش‌های «داده‌بنیاد» قرار داد. پژوهش‌هایی که برخوردار از فرایندی استقرایی است و بر آن است تا نظریه را از دل داده‌هایی که در فرایند پژوهش به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل شده‌اند استخراج کند. در این پژوهش‌ها به جای تکیه بر پژوهش‌های پیشین یا چارچوب‌های نظری موجود، به تحلیل سیستمی مستقیم بر روی داده‌های جمع‌آوری‌شده می‌پردازند (ر.ک: محرابی، ۱۳۹۰: ش ۲۳/۵-۳۰).

نگاهی به دو جامع حدیثی الکافی کلینی و الصحیح بخاری

الکافی: محمد بن یعقوب کلینی (م. ۳۲۹ ق.)

بر اساس مفاد خطبه آغازین کتاب کلینی، ظاهراً دلیل اصلی تألیف کتاب، درخواست یک برادر دینی است (کلینی، ۱۳۸۷: ۱۵/۱). اما به نظر می‌رسد که شرایط زمانه، کلینی را بر آن داشته تا به بهانه اجابت خواسته یک برادر دینی، ترویج آموزه‌های متعالی اهل بیت علیهم‌السلام را وجهه همت خود قرار دهد و تقریری نو از این آموزه‌ها را در قالب گزینشی جامع و تبویبی دقیق و نوین ارائه کند (همان).

کافی، حاصل مراجعه کلینی به منابع پیش از خود برای «گزینش» روایاتی است که به صورت یک جامع حدیثی، در عین «جامعیت»، برخوردار از «ترتیبی نو» و دربردارنده «طرح مسائل جدید» باشد. هرچند گاهی از طریق نقل شفاهی به روایات تازه‌ای نیز دست یافته و به نقل آن پرداخته است (عمادی حائری، ۱۳۸۸: ۱۷۰). البته اینکه «اصول چهارصدگانه» در اختیار کلینی بوده است یا نه و یا اینکه ایشان در گزینش احادیث، استفاده بیشتری از مصنفات برده‌اند، نیازمند بررسی است (پاکتچی، ۱۳۸۸: ۱۷۱-۱۸۰). باید اذعان داشت که از جمله سودمندی‌های تلاش محدثانی چون کلینی، فراهم آوردن امکان «بازسازی متون کهن شیعه» و «دستیابی به بخش‌هایی از آثار مفقوده شیعه» است (ر.ک: مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۳؛ عمادی حائری، ۱۳۸۸: ۵۵).

کافی با بیش از ۱۶۰۰۰ روایت، بیشتر از سایر کتب اربعه و مجموع روایات صحاح سته اهل سنت - که با حذف مکررات، قریب به ۹۵۰۰ روایت دربردارد - قرار دارد (حجت، ۱۳۸۸: ۵۷).

الجامع الصحیح المسند من حدیث رسول الله و سننه و ایامه: ابو عبد الله

محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بردزبه جعفی، بخاری (۱۹۴-۲۵۶ ق.)

در میان اهل سنت، کتاب بخاری پس از قرآن، حائز رتبه وثاقت و اطمینان است. چنان که در اطلاق عنوان «صحیح» بر آن، به معنای اعتقاد به صحت همه روایات این کتاب از سوی اغلب عالمان اهل سنت است.

متأسفانه بخاری در آغاز «الجامع الصحیح» خطبه یا مقدمه‌ای ارائه نکرده است تا از داده‌های آن در توصیف کتابش بهره گیریم. برخی محققان عامه، جدا از تمجیدها و بزرگداشت‌هایی که این کتاب را «عَدل قرآن» برمی‌شمرد، نسبت به کتاب بخاری و نویسنده آن، پای در مسیر افراط گذاشته و کراماتی در قالب رؤیا و... بیان داشته‌اند (نجمی، ۱۱۱۱: ۱۰۳-۱۱۲).

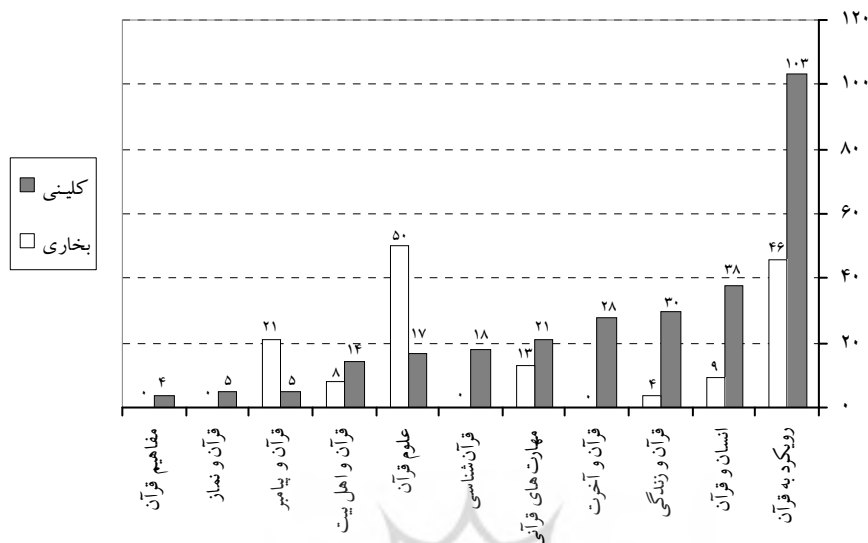
بخاری، «توصیة استادش اسحاق بن راهویه» را در انجام این کار بزرگ اثربخش می‌داند. به هر روی، انگیزه بخاری از تألیف صحیح، با توجه به صرف ۱۶ سال از عمرش در این کار، از موارد زیر بیرون نیست: نخست، پالایش احادیث و تمیز صحیح از سقیم؛ دوم، تبویب احادیث در مجموعه‌های حدیثی؛ سوم، دریافت مضامین فقهی و اخلاقی از روایات. اگرچه کثرت سفرهای بخاری برای گردآوری حدیث، مصادر روایات جامع حدیثی‌اش را بیشتر شفاهی نشان می‌دهد، اما بخاری نیز در تدوین کتابش، ناگزیر از مراجعه به سنن و مسانید مدون پیش از خود، مانند: *الجامع یا السنن* عبدالملک بن جریج؛ *السنن* أوزاعی؛ *الجامع سفیان ثوری*؛ *الموطأ* مالک بن انس و... بوده است.

گزارش توصیفی - تحلیلی دو کتاب فضل القرآن و فضائل القرآن

برای ارائه گزارشی نسبتاً دقیق از این دو کتاب، نخست، به «نمایه‌زنی روایات» پرداخته شد. پس از این گام، «یک‌پارچه‌سازی نمایه‌ها» و «تعیین محورهای کلی» انجام شد و در پی آن، «فراوانی هر یک از نمایه‌ها» تعیین شد. با گذر از این مرحله‌ها، تصویری ابتدایی از «درختواره موضوعی» هر کتاب به دست آمد.

در این بخش، تبیینی مختصر از درختواره موضوعی هر یک از دو کتاب ارائه می‌شود و سپس گزاره‌های موارد تشابه و اختلاف، بررسی خواهد شد. ابتدا مروری بر محورهای کلی مفاد هر دو کتاب، مخاطبان گرامی را هر چه بیشتر با توصیف ما از این دو مجموعه، همراه خواهد ساخت. در نمودار شماره ۱، میزان اشاره به هر محور، در روایات هر کتاب نشان داده شده است. تفاوت رویکرد هر یک از دو محدث بزرگوار نسبت به هر محور، مبنای تحلیل ما خواهد بود.

نمودار شماره ۱: مقایسه نمایه‌های محوری در دو کتاب



الف) کتاب فضل القرآن کلینی

این کتاب، در قالب ۱۴ بسته روایی، احادیث برگزیده کلینی را گرد آورده است. بسته نخست «بدون نام» و شاید به جای مقدمه- در بیان تعریف و جایگاه قرآن در عالم هستی-، ۱۳ باب صاحب عنوان و «النوادر»، در مجموع ۱۲۵ روایت را در خود جای داده است که همه مرتبط با قرآن و مسائل مرتبط با آن است. فهرست ابواب کتاب را بنگرید:

جدول شماره ۱: عناوین و میزان روایات ابواب کتاب فضل القرآن کلینی

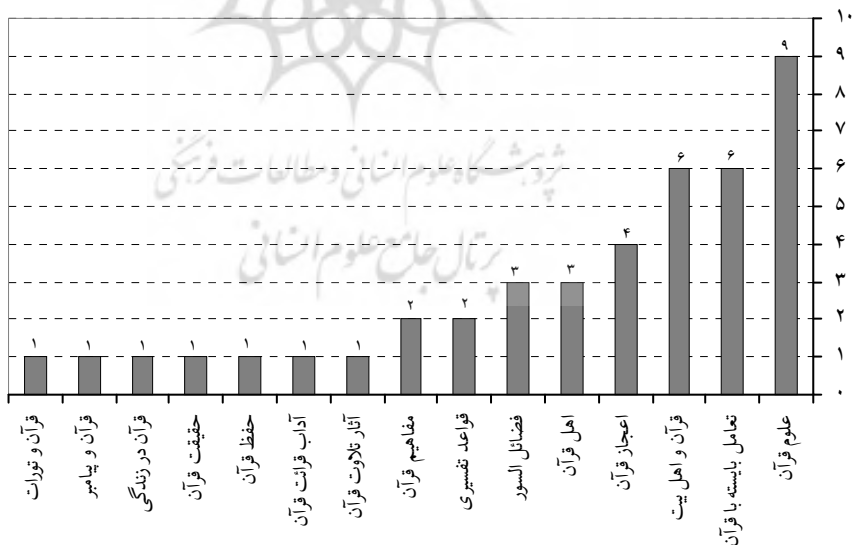
عنوان باب	تعداد روایت	عنوان باب	تعداد روایت
بدون نام	۱۴	باب قراءة القرآن فی المصحف	۵
باب فضل حامل القرآن	۱۱	باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن	۱۳
باب من يتعلم القرآن بمشقة	۳	باب فی من يطهر العشیة عند قراءة القرآن	۱
باب من حفظ القرآن ثم نسیه	۶	باب فی کم یقرأ القرآن ویختم	۵
باب فی قراءته	۲	باب أن القرآن یرفع كما أنزل	۲
باب البيوت التي یقرأ فیها القرآن	۳	باب فضل القرآن	۲۴
باب ثواب قراءة القرآن	۷	باب النوادر	۲۹

به نظر می‌رسد در عنوان‌بندی باب‌های کتاب فضل القرآن، آنچه از کلینی انتظار

می‌رود، به وقوع نپیوسته است. نگاهی سریع به عناوین ابواب کتاب فضل القرآن کلینی، رویکردی شکلی به قرآن را تداعی می‌کند، هرچند نمایه‌های برگرفته از محتوای روایات، مفاهیم بلند نهفته در باب‌های این کتاب را نشان می‌دهد. بررسی مفاد روایات ۱۴ گانه نخست، کافی است تا از عزم کلینی در آگاهی‌بخشی به مخاطب، در خصوص آثار فهم و تلاوت قرآن در دنیا و آخرت و اسباب افزایش رویکرد او به قرآن آگاه شد (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۷: کتاب فضل القرآن، روایات ۳۴۷۳-۳۴۷۵، ۳۴۷۷-۳۴۸۰، ۳۴۸۲-۳۴۸۳ و ۳۴۸۶).

کلینی، در گزینش روایات این حوزه، نقش و کارکرد قرآن را پیش و بیش از هر مؤلفه‌ای مهم دانسته است. در سایر ابواب کتاب، روایات گردآمده، متناسب با عنوان هر باب است. در این میان، باب «نوادر» نیز با توجه به ماهیت خود، شایسته بررسی جداگانه است. مشهور است که «النوادر» عنوان بسته‌هایی از روایات کلینی است که درج روایات آن در سایر ابواب یک کتاب ممکن نبوده است. بنابراین، گذشته از اینکه برخورداری از هندسه مفهومی روایات آن، مورد انتظار نیست، تکثر موضوعی و عدم انسجام روایات، به عنوان ویژگی روشن آن پذیرفتنی است.

نمودار شماره ۲: فراوانی نمایه‌های جزئی در «باب النوادر»



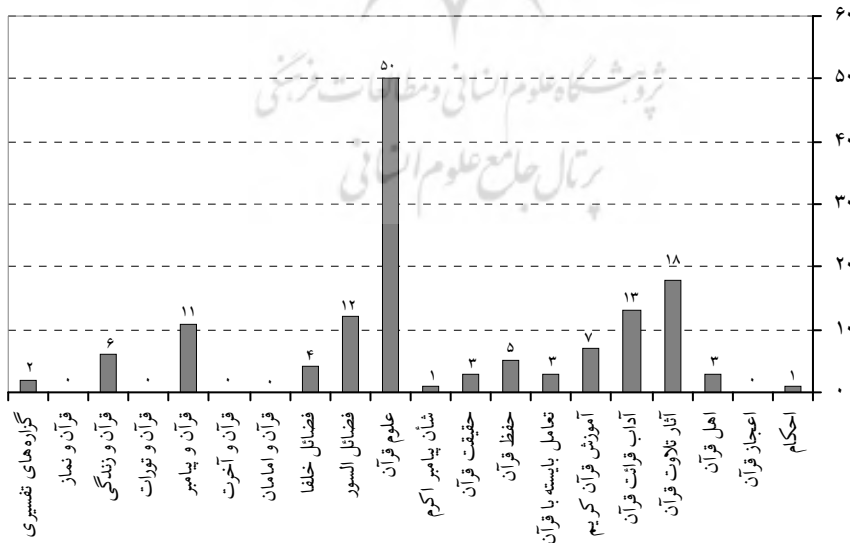
اما نگاهی به نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد که روایات باب النوادر، اغلب نمایه‌های

سراسر کتاب را در خود دارد. بنابراین شاید بتوان گفت که کلینی پس از تبویب کتاب کافی به روایات باب النوادر دست یافته و به سبب عدم امکان تغییر در نظم جامع حدیثی اش، این روایات را در پایان هر کتاب آورده است. مقایسه دو نمودار ۱ و ۲، احتمال درستی این دیدگاه را می‌افزاید. چنان که می‌بینیم، نمایه‌های موجود در مفاد روایات باب النوادر، اغلب محورهای کلی نمایه‌های کتاب را که در نمودار شماره ۲ آمده است، پوشش می‌دهد. بنابراین، اینکه امکان جای‌گذاری روایات باب النوادر در ابواب اصلی کتاب ممکن نبوده، دیدگاهی کاملاً درست نمی‌نماید! البته خواننده با مرور این باب، از پس‌زمینه‌های ذهنی کلینی در خصوص «غلبه نگاه به اثربخشی قرآن» آگاهی می‌شود. نگرشی که بی‌تردید، خاستگاهش را در روش تربیتی امامان معصوم علیهم‌السلام در خصوص قرآن می‌توان جست.

ب) کتاب فضائل القرآن بخاری

این کتاب، با ۸۷ روایت که در قالب ۳۷ باب جای گرفته است، در محورهای کلی دوازده‌گانه ما، حاوی ۳۵ عنوان نمایه است. از مجموع روایات این کتاب - چنان که در نمودار شماره ۳ می‌بینیم، برداشت ۱۲۱ نمایه ممکن بوده است.

نمودار شماره ۳: نمایه‌های کتاب فضائل القرآن بخاری



البته باید یادآور شد که فهرست ابواب کتاب بخاری در مجموع، برخوردار از سیری نسبتاً تاریخی در مباحث قرآنی است که می‌تواند از هدف مشخص و انسجام مضمونی بخاری در تدوین این کتاب نشان داشته باشد.

جدول شماره ۲: عناوین و میزان روایات ابواب کتاب فضائل القرآن بخاری

تعداد روایت	عنوان باب	تعداد روایت	عنوان باب
۲	باب من لم يتغنَّ بالقرآن وقوله تعالى	۵	باب كيف نزل الوحي وأول ما نزل
۲	باب اغتباط صاحب القرآن	۲	باب نزل القرآن بلسان قريش والعرب
۳	باب خيركم من تعلم القرآن وعلمه	۱	باب جمع القرآن
۱	باب القراءة عن ظهر القلب	۲	باب كاتب النبي ﷺ
۱	باب القراءة على الدابة	۲	باب أنزل القرآن على سبعة أحرف
۲	باب تعليم الصبيان القرآن	۴	باب تأليف القرآن
۴	باب نسيان القرآن وهل يقول نسيت آية كذا وكذا	۳	باب كان جبريل يعرض القرآن على النبي ﷺ
۳	باب من لم ير بأساً أن يقول سورة البقرة وسورة كذا وكذا	۷	باب القراء من أصحاب النبي ﷺ
۲	باب الترتيل في القراءة وقوله تعالى ﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾	۲	باب فضل فاتحة الكتاب
۲	باب مد القراءة	۱	باب فضل سورة البقرة
۱	باب الترجيع	۱	باب فضل سورة الكهف
۵	باب حسن الصوت بالقراءة للقرآن	۱	باب فضل سورة الفتح
۱	باب من أحب أن يسمع القرآن من غيره	۳	باب فضل قل هو الله أحد
۱	باب قول المقرئ للقارئ حسبك	۲	باب فضل المعوذات
۴	باب في كم يُقرأ القرآن وقول الله تعالى	۱	باب نزول السكينة والملائكة عند قراءة القرآن
۲	باب البكاء عند قراءة القرآن	۱	باب من قال لم يترك النبي ﷺ إلا ما بين الدفتين
۳	باب إثم من رآى بقراءة القرآن أو تأكّل به أو فخر به	۲	باب فضل القرآن على سائر الكلام
۳	باب اقرؤوا القرآن ما انتلفت عليه قلوبكم	۱	باب الوصية بكتاب الله عز وجل

اکنون با رویکردی مقایسه‌ای، مروری بر هر دو کتاب خواهیم داشت:

الف) چگونگی‌های تبویب

پیش از مقایسه یک‌یک نمایه‌های محوری در دو کتاب، مقایسه‌ای کل‌نگر ضروری

می‌نماید:

۱. مشاهده باب‌ها و مقایسه شمار روایات ذیل هر باب نشان می‌دهد که هر دو محدث، نگاهی کاملاً متفاوت در تعریف «باب» داشته‌اند. از همین روست که ۱۲۵ روایت کلینی در ۱۴ باب جای گرفته است، در صورتی که در کتاب بخاری، برای ۸۷ روایت، ۳۷ باب تنظیم شده است. به طور میانگین، هر باب کلینی «حدود ۹ روایت» و باب‌های بخاری «کمتر از ۳ روایت» در خود دارد.^۱ بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به شمار روایات باب‌های کتاب بخاری، ارائه فی الجمله مفهومی مستقل، سخت باشد.

۲. هر دو کتاب از فقدان منطق توزیع رنج می‌برند. این کاستی به دو گونه رخ می‌نماید: نخست اینکه گستره معنایی عنوان برخی باب‌ها به گونه‌ای است که می‌توان باب‌هایی دیگر را ذیل آن جای داد. برای نمونه در کتاب کلینی، باب‌های ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ می‌تواند ذیل باب پنجم قرار بگیرد. همچنین است باب ۶ (باب ثواب قراءة القرآن) که می‌تواند ذیل باب ۷ قرار بگیرد. این کاستی به گونه‌ای است که در صورت رفع آن، شمار باب‌های هر یک از دو کتاب به نصف یا کمتر کاهش می‌یابد.

دوم اینکه به نظر می‌رسد، وزن‌دهی باب‌ها نیز چندان مد نظر نبوده است. چرا که در برخی موارد بابی با درجه اهمیت بالا برخوردار است. برای نمونه، بخاری در زمینه فضائل السور، تنها به روایات کمتر از ۱۰ سوره پرداخته و روایات فضائل سایر سوره‌ها رو و نهاده است.

۳. در گزینش روایات ذیل هر باب نیز اگرچه دو کتاب، با یکدیگر متفاوت‌اند، در مجموع، دو نکته به نظر می‌رسد: نخست اینکه عزمی جدی بر جامعیت و مانعیت روایات دیده نمی‌شود. دوم اینکه گاهی تبیین نسبت روایتی ذیل یک باب، تأمل برانگیز است.

البته در کافی که تکرر باب‌ها کمتر است، این کاستی چندان جدی نیست و روایتی نیز که حضورش ذیل یک باب تأمل برانگیز باشد، تقریباً دیده نمی‌شود. برای مثال نخستین بسته روایی بدون عنوان در این کتاب، از جامعیتی نسبتاً قابل قبول در خصوص «قرآن‌شناسی» و «تمثل قرآن در آخرت» برخوردار است و مخاطب را به جمع‌بندی

۱. تکرر باب‌ها در کتاب بخاری سبب شده است که ۱۲ باب از این کتاب (ابواب ۳، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۲، ۲۴، ۳۰، ۳۲ و ۳۳) تنها یک روایت داشته باشند. در کافی تنها باب ۱۰ چنین وضعیتی دارند.

مشخصی در این زمینه می‌رساند. باب‌های «فضل حامل القرآن»، «من يتعلم القرآن بمشقة»، «من حفظ القرآن ثم نسيه»، «ثواب القراءة»، «ترتیل القرآن بالصوت الحسن»، «فی کم یقرأ القرآن ویختم» و «فضل القرآن» نیز چنین است. تنها باب «فی من یظهر العشیة عند قراءة القرآن» تک‌روایتی است که به نظر می‌رسد ظرفیت بیش از این را نداشته باشد.

اما کتاب بخاری با توجه به شمار سی و هفت گانه باب‌ها و وجود «۱۲ باب تک‌روایتی»، بیشتر با این آسیب درگیر است. شاید بتوان گفت که تنها باب‌های «جمع القرآن»، «القرءاء من أصحاب النبی ﷺ»، «کان جبریل يعرض القرآن علی النبی ﷺ» و «فی کم یقرأ القرآن ویختم» از این کاستی مصون‌اند. در برخی باب‌ها نیز روایات تأمل‌برانگیز به چشم می‌خورد: روایت ذیل باب «فضل سورة الكهف»، نخستین روایت باب «فضل القرآن علی سائر الکلام»، دو روایت نخست باب «من لم یر بأسا أن یقول سورة البقرة وسورة كذا وكذا»، روایت دوم از باب «الترتیل فی القراءة»، روایت دوم از باب «البكاء عند قراءة القرآن».

۴. بیشتر، وجود سیر تاریخی مباحث پیرامون قرآن را در کتاب بخاری ستودیم و از سوی دیگر، بیان داشتیم که باب‌بندی کلینی نیز چندان رضایت‌بخش نیست. اما باید توجه داشت که این تفاوت، به خاستگاه تربیتی و افق‌های اندیشه دو محدث بازمی‌گردد. در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، قرآن کتابی است برای هدایت انسان تا او را از حسیض خاک به اوج افلاک برساند و از همین رو آنچه در خصوص این کتاب اولویت نخست را از آن خود می‌کند، کارکرد هدایتی قرآن است که در سایه انس با این کتاب عزیز دست می‌دهد. بنابراین در گردآوری روایاتی پیرامون آن، هدف اصلی، افزایش رویکرد مخاطبان به قرآن و انس با آن است. چنان که کتاب فضل القرآن کافی، تا حد زیادی این هدف را دست‌یافتنی ساخته است. مخاطب پس از مرور روایات کتاب، گویی نسبت به میزان رویکرد به قرآن، در هر صورت، احساس خسران می‌کند. کلینی چنان بر تحقق این هدف شتاب داشته است که نخستین باب را بدون عنوان و شاید به جای مقدمه به مجموعه‌ای از روایات اختصاص داده است که مخاطب را در همان آغاز به نقطه‌نهایی می‌رساند و آنگاه در سایه مرور سایر روایات، بر عمق نگرش

راستین او می‌افزاید.

فضائل القرآن بخاری، اگرچه مخاطب را با برخی مباحث اصلی سرگذشت قرآن آشنا می‌کند و بخشی از بایسته‌های تعامل با قرآن را به او یادآور می‌شود، اما شمایل کلی روایات کتاب، شوق مخاطب را به افزایش تعامل با قرآن نیفزوده و قرآن را تنها کتاب کارساز در مسیر رشد و تعالی او معرفی نمی‌کند. شاید غیر منصفانه نباشد اگر بگوییم که تکرار ابواب و پراکندگی مفاهیم روایات نیز به انسجام ذهنی مخاطب نمی‌انجامد. نقل روایاتی مانند «قرائت سوره فتح توسط پیامبر ﷺ در حال سواری بر چهارپا» و نقل چندین روایت مبنی بر «فراموشی آیاتی از قرآن توسط پیامبر ﷺ»، هرگز مقوم عزم بخاری بر افزایش رویکرد مخاطب به قرآن و زمینه‌ساز ایجاد نگرش هدایتی به قرآن نیست.

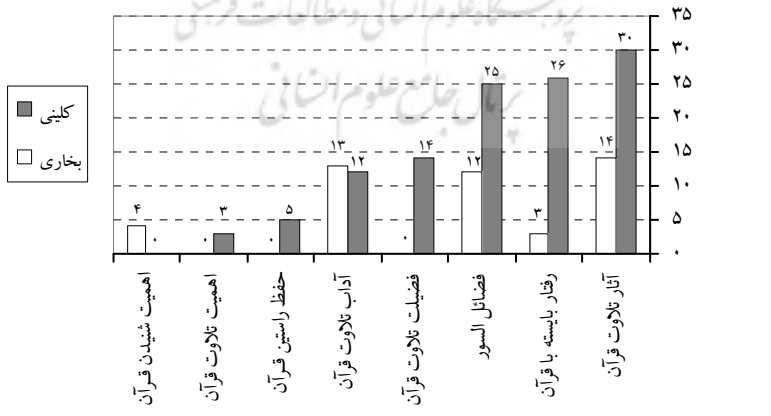
ب) مقایسه نمایه‌های محوری

اکنون به مقایسه یک‌یک نمایه‌های محوری خواهیم پرداخت تا ضمن ارائه تحلیل‌های متناسب با هر نمایه، مبادی تحلیل نهایی و اثبات فرضیه تحقیق را فراهم آوریم:

رویکرد به قرآن

این محور که به نسبت حجم سایر روایات هر کتاب، توجهی متفاوت از سوی دو محدث را از آن خود ساخته^۱، در نگاهی دقیق به مفاد روایات نیز از تفاوت‌هایی برخوردار است.

نمودار شماره ۴: مقایسه فراوانی نمایه‌های جزئی دو کتاب در محور «رویکرد به قرآن»



۱. میزان روایات این محور در کتاب کلبی (۸۹ روایت)، بیش از ۲ برابر روایات بخاری است.

نمایه «آثار تلاوت قرآن» در کافی با ۳۰ روایت که به اثرات عمیق و پایدار قرآن در حیات مادی و معنوی انسان اشاره دارد، نتیجه همراهی با قرآن در آخرت را چنان وامی کاود که بهانه‌ای برای اهمال و سستی در رویکرد به قرآن باقی نمی‌ماند. برای نمونه، این روایت را بنگرید:

... عن محمد بن بشير عن علي بن الحسين عليه السلام، قال: وقد رُويَ هذا الحديث عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: «من استمع حرفاً من كتاب الله تعالى من غير قراءة، كتب الله له بكل حرف حسنة ومحا عنه سيئة ورفع له درجة، ومن قرأ نظراً من غير صوت، كتب الله له بكل حرف حسنة ومحا عنه سيئة ورفع له درجة، ومن تعلم منه حرفاً ظاهراً، كتب الله له عشر حسنات ومحا عنه عشر سيئات ورفع له عشر درجات» قال: «لا أقول بكل آية ولكن بكل حرف؛ بآء أو تاء أو شيهما»... (همان: روایت ۳۵۱۷).

روشن است روایاتی از این دست که در این کتاب به وفور به چشم می‌خورد، دغدغه رشد و تعالی و دست‌یازی مخاطب به خشنودی خداوند را به خوبی پاسخ می‌گوید. روایاتی که در کتاب بخاری بار این نمایه را به دوش می‌کشند (ر.ک: بخاری، ۱۱۱۱: روایات ۴۶۲۵، ۴۶۳۰-۴۶۳۲، ۴۶۳۷-۴۶۳۸، ۴۶۶۲، ۴۶۶۷ و ۴۶۷۱)، عمدتاً به اثرات رویکرد به قرآن در هنگام قرائت آن اشاره دارند و تقریباً روایتی که مخاطب را به اثراتی پایدارتر و ثمراتی عمیق‌تر رهنمون شود، دیده نمی‌شود. روایتی را که به نظر می‌رسد بیش از سایر روایات، مخاطب را به آثار رویکرد به قرآن رهنمون شود، بنگرید:

حدَّثنا هُدبَةُ بن خالد أبو خالد حدَّثنا هَمَّام حدَّثنا قَتَادَةُ حدَّثنا أنس بن مالك عن أبي موسى الأشعري عن النبي صلى الله عليه وآله قال: «مثل الذي يقرأ القرآن كالأترجة؛ طعمها طيب وريحها طيب والذي لا يقرأ القرآن كالتمرة؛ طعمها طيب ولا ریح لها ومثل الفاجر الذي يقرأ القرآن كمثل الريحانة؛ ريحها طيب وطعمها مرٌّ ومثل الفاجر الذي لا يقرأ القرآن كمثل الحنظلة؛ طعمها مرٌّ ولا ریح لها» (همان: روایت ۴۶۳۲)؛ ... مثل مؤمنی که قرآن می‌خواند [و به آن نیز عمل می‌کند]، مانند میوه ترنج است؛ هم مزه و هم بوی آن خوش است و مؤمنی که قرآن نمی‌خواند [و تنها به آن عمل می‌کند]، مانند خرماست؛ مزه‌اش خوش است و بویی ندارد! و مثل گنجه‌کاری که قرآن می‌خواند، مانند ریحان است؛ بویش خوش و مزه‌اش تلخ است و گنجه‌کاری که قرآن نمی‌خواند، مانند حنظله است؛ مزه‌اش تلخ است و بویی هم ندارد.

گذشته از تأملات فقه‌الحدیثی در مفاد این روایت و مبانی دسته‌بندی موجود در روایت، در فضل القرآن کافی روایتی با الفاظی بسیار نزدیک و مفادی دقیق‌تر به چشم می‌خورد (کلینی، ۱۳۸۷: کتاب فضائل القرآن، حدیث ۳۴۹۲).

نمایه جزئی «رفتار بایسته با قرآن» نیز عرصه تفاوت رویکرد دو محدث است. کلینی با شمار ۲۶ روایت (همان: روایات ۳۴۸۰، ۳۴۸۴، ۳۴۸۸، ۳۴۸۹، ۳۴۹۱، ۳۴۹۳، ۳۴۹۵، ۳۴۹۶، ۳۵۰۲، ۳۵۰۴، ۳۵۰۶، ۳۵۱۳، ۳۵۲۱، ۳۵۲۴، ۳۵۲۶، ۳۵۲۸، ۳۵۶۹، ۳۵۷۵، ۳۵۷۶، ۳۵۸۶ و ۳۵۹۴)، به مفاهیمی مانند «عدم تقال به قرآن»، «نهی از ضرب قرآن به قرآن» و «عمل به قرآن» پرداخته است. حال آنکه بخاری در این نمایه (ر.ک: بخاری، ۱۱۱۱: روایات ۴۶۷۲-۴۶۷۴)، تنها به نکته‌هایی درباره خواندن قرآن و میزان و نوبت‌های آن اشاره داشته است. «وقار و متانت در خواندن قرآن»، «عربی خواندن آن»، «چگونگی‌های قرائت» و «مدت و نوبت‌های ختم قرآن» از سوی هر دو محدث مورد توجه قرار گرفته است.

نمایه پرشمار «فضائل السور» با ۲۵ روایت در کتاب کلینی (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۷: روایات ۳۵۴۵-۳۵۴۹، ۳۵۵۱-۳۵۶۰) و ۹ روایت در کتاب بخاری (ر.ک: بخاری، ۱۱۱۱: روایات ۴۶۲۲-۴۶۳۰، ۴۶۵۲)، مجالی دیگر برای مقایسه این محور در دو کتاب است. گذشته از اینکه روایات فضائل السور، نیازمند تحقیقات عالمانه‌ای است که سره از ناسره‌اش را به خوبی تشخیص دهد و یا چارچوبی شایسته برای تسامح در پذیرش این دست روایات ارائه کند.

مفاد این روایات را در دو کتاب مرور می‌کنیم:

«برکت در زندگی، قصرهای بهشتی، آمرزش گناهان، برخوردارگی از اجر شهید، برآورده شدن حاجات از سوی خداوند، درک حضور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه، هم‌جواری با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بهشت، مصونیت از شر شیطان، دفع بلاها، مصونیت از بیماری‌های صعب‌العلاج، برخوردارگی از خیر دنیا و آخرت، آمرزش گناهان والدین و فرزندان، ایمنی از زلزله و برائت از شرک»، پاداش قرائت سوره‌هایی از قرآن است که کلینی به نقل روایات آن پرداخته است.

«معرفی ارجمندترین سوره قرآن، برکت در زندگی، بسندگی برخی آیات برای انسان، مصونیت از شر شیطان، آرامش، محبوبیت برخی سوره‌ها نزد پیامبر، برابری برخی

سوره‌ها با بخشی عظیم از قرآن، درمان بیماری‌ها و نزول فرشتگان»، مفاد روایات بخاری درباره فضائل السور است.

نخستین نقطه تفاوت در دو دسته مفاد بالا، فضایل مربوط به «اهداف هدایتی قرآن» و «آثار اخروی قرائت سوره‌ها» است که بیشتر از سوی کلینی مورد توجه بوده است. (توجه به پیامبر و اهل بیت ع‌السلام) به عنوان شاخصه‌ای برای بیان فضیلت برخی سوره‌ها نیز از همین دست است. به نظر می‌رسد تفاوت‌ها باز هم به خاستگاه اندیشه دو محدث بازگردد.

انسان و قرآن

حجم روایات کلینی در این محور بیش از ۴ برابر بخاری است و گزینش ۲۱ روایت ذیل نمایه «جایگاه اهل قرآن» (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۷: روایات ۳۴۷۳، ۳۴۹۱-۳۴۹۲، ۳۴۹۵، ۳۵۰۱، ۳۵۰۶، ۳۵۱۶-۳۵۱۷ و ۳۵۴۵)، جایگاه بحث در اندیشه کلینی را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، همچنان که نگرش کلی بخاری، بیشتر به مباحث ظاهری و شکلی قرآن معطوف است، رویکرد او به ترابط انسان و قرآن نیز کم‌رنگ دیده می‌شود. شمار اندک روایات بخاری در این محور (جدول شماره ۳) شاهد این مدعا است:

جدول شماره ۳: مقایسه نمایه‌های جزئی دو کتاب در محور «انسان و قرآن»

فضائل القرآن بخاری: ۹	فضل القرآن کلینی: ۳۸
اصناف اهل قرآن: ۳	جایگاه اهل قرآن: ۲۱
انس با قرآن: ۴	سطوح مختلف تعامل انسان با قرآن: ۱۰
قرآن و نوجوانان: ۲	پاداش سختی در راه قرآن: ۴
	انسان و قرآن: ۳

از سوی دیگر و فارغ از بررسی‌های نمایه‌ای، کلینی دومین باب کتابش «فضل حامل القرآن» با ۱۱ روایت- را به همین بحث اختصاص داده و بخاری تنها باب «اغتباط صاحب القرآن» را تنها با ۲ روایت در این مضمون آورده است. بنابراین، همچنان بر این فرضیه تأکید می‌کنیم که گزینش روایات، ارتباطی مستقیم با دیدگاه‌های مذهبی و نگرش دینی محدث دارد.

قرآن‌شناسی

بر خلاف بخاری که جز در ۴ روایت (ر.ک: بخاری، ۱۱۱۱: روایات ۴۶۰۱، ۴۶۳۰/۱، ۴۶۳۲ و ۴۶۷۱)، اشاره‌ای به حقیقت قرآن و شناخت آن ندارد، کلینی در این محور، ورودی مفصل - ۲۸ روایت- داشته و چنان که پیشتر گفته شد، بخش زیادی از نخستین باب کتابش را به این موضوع اختصاص می‌دهد. در آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام، قرآن علاوه بر وجود عینی و لفظی‌اش، برخوردار از حقیقتی در عوالم بالاست که قابل رؤیت در همان عوالم است و در روز بازپسین است که مردم با آن وجود روبه‌رو می‌شوند. این نگاه متعالی ویژه مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است. کلینی نخستین روایت کتابش را - با حجمی بیش از ۸۰۰ کلمه- به روایتی در همین موضوع اختصاص داده است.

منظور از حقیقت قرآن، تمثیل و عینیت یافتن قرآن در قیامت است که خود را بر اهل محشر عرضه می‌کند و به عنوان ملاک و معیاری برای پاداش و عقاب مردمان، مورد توجه خداوند قرار می‌گیرد. نمایه‌های «بهره‌های قرآن برای اهلش» و «عربیت قرآن» تنها نمایه‌هایی است که از سوی هر دو محدث مورد توجه بوده است. لازم به یادآوری است که بخاری بابی با عنوان «فضل القرآن علی سائر الکلام» دارد که دو روایت ذیل آن ارتباطی با عنوان باب ندارد: روایت نخست درباره تفاوت اهل قرآن با غیر ایشان است و روایت دوم نیز درباره فضیلت امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر یهود و نصارا است.

قرآن و آخرت

معادباوری از اصولی است که در مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، روایات بی‌شماری به خود اختصاص داده و ارتباطی مؤثر با همه ساحت‌های دین اعم از اعتقادات، اخلاق و حتی احکام دارد. «اجر اخروی مضاعف اهل قرآن» (ر.ک: همان: روایات ۳۴۹۸-۳۴۹۹، ۳۵۱۶-۳۵۱۷، ۳۵۱۲ و ۳۵۱۴-۳۵۱۵)، «پاداش اخروی کثرت تلاوت» (ر.ک: همان: روایات ۳۴۹۶-۳۴۹۷، ۳۵۲۲-۳۵۲۳، ۳۵۴۵، ۳۵۵۰، ۳۵۵۳ و ۳۵۶۸) و «حسرت اخروی فراموشی آیات قرآن» (ر.ک: همان: روایات ۳۵۰۱-۳۵۰۴ و ۳۵۰۶)، نمایه‌های اصلی کلینی در این محور است. کلینی حتی در مسیر شناخت قرآن نیز با رویکرد به حقیقت متعالی قرآن، از تمثیل حقیقت قرآن در قیامت یاد می‌کند و جایگاه والای قرآن در عالم هستی را برمی‌نماید، در صورتی که

کتاب بخاری، خالی از هر مضمون مرتبط با این محور است. عدم رویکرد بخاری به مفاهیمی از این دست، یک گزاره تحلیلی مهم است. به نظر می‌رسد نه تنها در نگرش بخاری رویکرد بیشتر به ابعاد شکلی قرآن است، بلکه رویکرد به حقیقت متعالی و واقعی قرآن نیز در این نگرش جایگاهی ندارد.

علوم قرآن

شمار روایات مرتبط با این محور در هر دو کتاب، قابل توجه است، اما بر خلاف سایر محورها، بخاری نزدیک به ۲ برابر کلینی -یک سوم نمایه‌های کتابش- به این محور پرداخته است.

جدول شماره ۴: فراوانی روایات کلینی در محور علوم قرآن																									
نزل قرآن	۴	اعراب القرآن	۲	حرف سبعه	۲	قرآن و تورات	۲	اجبار غیر	۱	جمع قرآن	۱	زبان قرآن	۱	شمار آیات	۱	ظهر و بطن	۱	قرائت	۱	کتابت قرآن	۱	محکم و مشابه	۱	جمع روایات	۱۷
جدول شماره ۵: فراوانی روایات بخاری در محور علوم قرآن																									
نزل قرآن	۱۲	کتابت قرآن	۱۰	جمع قرآن	۶	وحی	۵	حرف سبعه	۴	نزل دفعی	۴	ترتیب سوره‌ها	۳	سبب نزول آیه	۳	مکی و مدنی	۲	اسمی سوره‌ها	۱	فرجید مصاحف	۱	ترتیب نزول	۱	جمع روایات	۵۲

نکته قابل توجه مواضع مورد تأکید هر یک از دو محدث است:

۱. بررسی گونه‌شناختی روایات کلینی در این نمایه محوری، چنانچه در جدول شماره ۴ می‌نگریم، حاکی از توجه کلینی به مقوله‌های محتوایی است.
 - نمایه‌هایی مانند «شمار آیات»، «سبب نزول»، «مکی و مدنی»، «کتابت قرآن»، «جمع قرآن» و «سوره‌ها» مد نظر کلینی قرار نگرفته است.
 - اهم نمایه‌های مورد نظر وی عبارت‌اند از «نزل قرآن» (ر.ک: همان: روایات ۳۵۵۶، ۳۵۷۳-۳۵۷۴ و ۳۵۸۴) که اشاره به نزول دفعی قرآن در بیت‌المعمور و نزول تدریجی در

طی ۲۰ سال دارد، «قرائت» (ر.ک: همان: روایات ۳۵۴۴، ۳۵۹۲ و ۳۵۹۶) که بر ترک اختلاف قرائت و رویکرد به قرائت متداول میان مردم تأکید دارد، «نزول هفت گانه قرآن» (ر.ک: همان: روایات ۳۵۸۰-۳۵۸۱) که به نفی دیدگاه نزول هفت گانه قرآن پرداخته و برای قرآن تنها یک نزول را برمی‌تابد، «زبان قرآن» (ر.ک: همان: روایات ۳۵۸۲-۳۵۸۳ و ۳۵۸۹) که به سبک بیانی قرآن درباره پیامبر اشاره دارد، «اخبار غیب»، «ظهر و بطن قرآن»، «قرآن و تورات»، «جمع قرآن»، «شمار آیات»، «کتابت قرآن» و «محکم و متشابه».

۲. گونه‌شناسی مجموعه روایاتی که بخاری ذیل نمایه محوری علوم قرآن آورده است (جدول شماره ۳)، کاشف از این است که در اندیشه بخاری، علوم قرآن از نقش بسیار ممتازی در «تبیین اصالت تاریخی قرآن» برخوردار است:

- رتبه نخست از آن روایاتی درباره «نزول قرآن کریم» (ر.ک: بخاری، ۱۱۱۱: کتاب فضائل القرآن، روایات ۴۵۹۶-۴۶۰۰، ۴۶۰۲، ۴۶۰۹ و ۴۶۱۰-۴۶۱۱) است. نزول قرآن در مدت ۲۰ سال، ظاهر شدن جبرئیل در هیئت دحیه کلبی، نزول سالانه قرآن بر پیامبر ﷺ و دو بار نزول آن در سال آخر، مفاد روایاتی است که بخاری در پی طرح مسئله نزول قرآن گرد آورده است. به نظر نمی‌رسد که این زیرمجموعه، گزارشی کامل از جریان نزول قرآن کریم به دست دهد.

- بخاری، «کتابت قرآن» (ر.ک: همان: روایات ۴۶۰۵-۴۶۰۶، ۴۶۰۹ و ۴۶۱۵-۴۶۲۱) را در مرتبه دوم، مورد توجه قرار داده است. تأکید پیامبر ﷺ بر اخذ قرآن از برخی اصحاب، ادعای ابن مسعود مبنی بر اعلمیت قرآنی در میان اصحاب و تمجید عمر از اصالت لحن ابی بن کعب و معرفی کاتبان وحی، ارسال نسخه‌هایی از قرآن به مدینه، پیش از هجرت پیامبر ﷺ مواردی است که در این محور، بدان اشاره شده است.

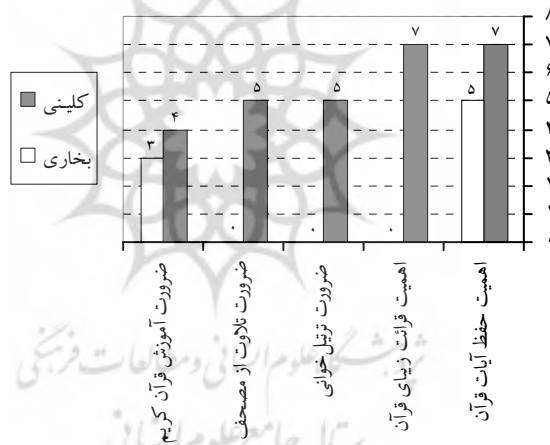
- بخاری بر اساس دیدگاه مذهبی اش «نظریه نزول هفتگانه قرآن» (ر.ک: همان: روایات ۴۶۰۰، ۴۶۰۶ و ۴۶۵۶) را مورد توجه قرار داده است. نکته قابل مناقشه، تکرار دوباره روایتی از عمر بن خطاب است که این نظریه را به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهد. چنان که روشن است، در برخی نمایه‌ها مانند «محکم و متشابه»، «ظهر و بطن»، «زبان قرآن» و «اخبار غیب» شمار روایات بخاری «صفر» است. البته توجه بخاری به تاریخ قرآن ستودنی است و برای محققان امروز بسیار کارگشاست، چرا که مباحث این عرصه

همچنان از ابهام‌هایی جدی رنج می‌برد و نقل روایاتی از این دست، سرنخ‌های ارزشمندی برای تحقیقات امروزی است. (جدول شماره ۵)

مهارت‌های قرآنی

در این محور، جز تفاوت کمی -بیش از ۳ برابر در کافی- تفاوت چندان مهمی دیده نمی‌شود. مهم‌ترین ره‌آورد هر دو بسته‌ی روایی، تبیین برخی الزامات ارتباط مخاطب با نخستین لایه‌ی ارتباطی قرآن است.^۱ نمایه‌ای که بخاری اشاره‌ای بدان نداشته، «اهمیت تلاوت قرآن از مصحف» است. کلینی در ۵ روایت که همگی منقول از امام صادق ع است، به «تلاوت قرآن از مصحف» پرداخته است که می‌تواند حاکی از تأکید وی بر اهتمام و دقت در انتقال دقیق الفاظ قرآن به نسل‌ها و عصرها باشد.

نمودار شماره ۵: مقایسه‌ی فراوانی نمایه‌های جزئی در محور «مهارت‌های قرآنی»



قرآن و زندگی

تفاوت در این محور، تفاوت نگرش دو محدث را هر چه بیشتر یادآور می‌شود. کلینی در ۲۱ روایت، نقش و کارکرد قرآن در زندگی انسان را بیان می‌دارد. حال آنکه در کتاب بخاری، تنها ۸ روایت به این محور اختصاص یافته است. گذشته از روایاتی که کارکرد خاص برخی فرازهای قرآن در روزمره‌ی انسان را یادآوری می‌کند، ۳ روایت که قرار است به کارکرد مجموعی قرآن بپردازد، از «جایگزینی دانش قرآنی فرد با مهریه»

۱. نمایه‌هایی مانند اهمیت حفظ آیات قرآن، اهمیت قرائت زیبای قرآن، ضرورت آموزش قرآن کریم، ضرورت ترتیل خوانی، ضرورت تلاوت از مصحف.

ازدواج» سخن می‌گوید. این در حالی است که روایات برگزیده کلینی، بیشتر به کارکرد مجموعی قرآن اختصاص یافته است: نخست، اثربخشی مجموعه قرآن بر زندگی انسان، که کارکردهایی مانند هدایت‌گری انسان، نور و برکت و توسعه اهل خانواده، شفای دل‌ها، دور کردن شیاطین، خیر و برکت، حیات طیبه، رشد، تعالی اخلاق، تدبیر فتنه‌ها، بی‌نیازی، برآورنده حاجات را به یاد می‌آورد. دوم، کارکرد بخش‌هایی خاص از قرآن بر زندگی انسان که اسباب مصونیت از آفات دنیایی، سلامتی، دیدار امام زمان، دفع شر و رفع حاجت، حفظ جان و مال از بدی‌ها و ایمنی از شر اشرار را فراهم می‌کند. کلینی در پی آن است تا مفاهیمی فراگیر و متعالی به مخاطب ارائه کند که البته در شناخت او نسبت به قرآن نیز بسیار اثربخش است.

قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام

در این بخش، منظور ما از اهل بیت علیهم‌السلام، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان علیهم‌السلام است. بنابراین مقایسه ما، دو نمایه «قرآن و پیامبر» و «قرآن و اهل بیت» را در بر می‌گیرد: نخست اینکه مجموع روایات کلینی در دو محور ۲۳ روایت (۹ روایت: پیامبر و قرآن و ۱۴ روایت: اهل بیت و قرآن) و حجم رویکرد بخاری (تنها در محور پیامبر) ۲۱ روایت است.

دوم اینکه دغدغه هر دو محدث، بیان همبستگی و رابطه میان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و قرآن است.

سوم اینکه در این عرصه نیز وزن نمایه‌های مرتبط با مفاد و اهداف قرآن در کلینی بیش از بخاری است.

چهارم اینکه بخاری بابتی را به «پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و فراموشی قرآن» اختصاص می‌دهد و این با غرض او از پی‌گیری نسبت خاص پیامبر با قرآن سازگار نیست.

پنجم اینکه بخاری، روایتی را که دال بر ارتباط اهل بیت با قرآن باشد، نیاورده و این در حالی است که کلینی با پشتوانه نگرش جامعیت و مرجعیت اهل بیت علیهم‌السلام درباره قرآن، ۱۴ روایت در این محور آورده است. در نگرش کلینی نسبت میان اهل بیت و قرآن، همان نسبت میان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و قرآن است، با این تفاوت که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گیرنده

وحی از جانب خداوند بوده است. این اصل، در اندیشه بخاری جایگاهی ندارد و بنابراین اگرچه به گواهی تاریخ، همواره بهترین و دقیق‌ترین پاسخ‌ها پیرامون قرآن از سوی اهل بیت علیهم‌السلام به مردم ارائه شده است، از سوی بخاری، روایتی با این مضمون، در کتابش دیده نمی‌شود.

ششم اینکه برخی مضامین روایات بخاری در این محور، گزینه‌هایی قابل توجه است: «قرآن، وصیت و تنها ماترک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» (ر.ک: همان: روایات ۴۶۳۱ و ۴۶۳۴)، «علاقه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به شنیدن قرآن» (ر.ک: همان: روایات ۴۶۴۹، ۴۶۵۱ و ۴۶۵۴)، «توصیه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به قرائت قرآن در هنگام نشاط و آرامش» (ر.ک: همان: روایات ۴۶۷۲-۴۶۷۳) که حاکی از ذوق بخاری در گزینش روایات اوست.

تفسیر

عنوانی محوری است که دو نمایه «قواعد تفسیری» (ر.ک: کلینی: روایات ۳۵۸۲-۳۵۸۳) و «گزاره‌های تفسیری» (ر.ک: همان: روایات ۳۴۷۳، ۳۴۷۹، ۳۵۲۴، ۳۵۷۴ و ۳۵۸۹) را در خود جای داده است. به نظر می‌رسد کلینی عزم ورود به عرصه تفسیر و تفسیرنگاری را نداشته و اگر روایتی در باب قواعد تفسیری آورده است، باید از اهمیتی خاص برخوردار بوده باشد. از همین رو، با نقل دو حدیث سعی در پاسخ به این شبهه داشته است که چرا در فرازهایی از قرآن، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با الفاظ توبیخ و عتاب، مورد خطاب قرار گرفته است. گزاره‌های تفسیری که در خلال روایات این کتاب دیده می‌شود، از ویژگی خاصی برخوردار نیست تا بتوان غرض کلینی را از ارائه آن کشف کرد.

در این نمایه، بخاری - اگرچه در کتاب فضل القرآن خود، سهمی برای «تفسیر» قائل نشده است - پیشروست. «کتاب التفسیر» با حجم قابل قبولی از روایات تفسیری و پیش از فضائل القرآن گرد آمده است تا رویکرد ویژه او به روایات تفسیری را نشان دهد.

البته شاید عدم رویکرد کلینی به این مقوله نیز موجه باشد. نخست اینکه کلینی این عرصه را به گردآورندگان جوامع حدیثی سپرده است تا حق مطلب ادا شود و گزینشی شتابزده صورت نپذیرد. چه اینکه در صورت ارائه درخور روایات تفسیری، حجم

معتنابهی از روایات که به تبیین معانی و معارف قرآن پرداخته است، حجم کافی را افزایشی قابل توجه می‌بخشید. دیگر اینکه لابه‌لای روایات جامع حدیثی کلینی، انباشته از روایاتی است که محتوا و پیام آن، معانی و معارف قرآن کریم است.

قرآن و نماز و مفاهیم قرآن

این نمایه‌ها بسته‌های روایی (ر.ک: همان: قرآن و نماز، روایات ۳۵۷۰-۳۵۷۲ و ۳۵۸۸؛ مفاهیم قرآن، روایات ۳۵۱۲، ۳۵۱۴، ۳۵۱۷ و ۳۵۵۴-۳۵۵۳) است که تنها کافی بدان پرداخته است و هر یک، شمار اندکی از روایات را به خود اختصاص داده‌اند. بسته روایی نخست، به قرائت آیاتی از قرآن در نماز اشاره دارد. در بسته روایی دوم نیز روایاتی با رویکرد کل‌نگر به مجموعه مفاهیم قرآن گرد آمده است.

تحلیل نهایی

در تلقی سنتی از دین که سراسر تاریخ قرآن و سنت تفسیری ما را فرا گرفته است، وحی، «پیام» است. از همین رو، در توصیف ویژگی‌های قرآن، با توجه به سازوکار نزول آن، چهارگانه «فرستنده پیام، پیام، گیرنده پیام و مخاطب پیام» محورهای اصلی خواهد بود.

چنانچه منبع تأمین گزاره‌ها، «روایات» باشد، رویکرد به این چهارگانه، بیشتر مورد تأکید خواهد بود. چرا که همگرایی میان قرآن و عترت، برای تحقق هدف اولی و اصلی از نزول قرآن - هدایت انسان - ضروری است. چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان گیرنده پیام، ضمن ایفای نقش رساننده، مأموریت «تعلیم قرآن و تبیین پیام آن» (ر.ک: نحل/ ۴۴) را نیز برای مخاطبان بر دوش دارد. بنابراین با تصریح بر این اصل که روایات، قابلیت تأمین گزاره‌هایی در گستره این چهارگانه را دارند، تألیف بسته‌ای مفهومی درباره «قرآن» در هر جامع حدیثی، باید مؤلفه‌های کامل هر یک از چهار رکن بالا را داشته باشد. بر این اساس، تنظیم «درختواره موضوعی پیرامون قرآن، براساس روایات»، در قالب پژوهشی مستقل پیشنهاد می‌شود.

نتیجه بررسی دو کتاب با نگاه به میزان انطباق نمایه‌ها با شاخصه‌های چهارگانه،

جدول شماره ۶ است.

جدول شماره ۶: مقایسه میزان انطباق نمایه‌های دو کتاب با شاخص‌های چهارگانه

	فرستنده پیام	پیام	گیرنده پیام	مخاطب پیام
کلینی	۱	۲۰	۵	۱۶
بخاری	۱	۱۲	۷	۸

چنان که می‌بینیم، بیشترین انطباق - به نسبت تفاوت شمار نمایه‌های دو کتاب -، در شاخص دوم یعنی خود «قرآن» رخ داده و کمترین انطباق در شاخص نخست، یعنی «خداوند» - از آن جهت که صاحب قرآن است - دیده می‌شود. البته برتری کمی کلینی نسبت به بخاری در نمایه‌هایی که به اصل پیام باز می‌گردد، خود حاکی از توجه بیشتر او به این شاخص محوری است و از مبانی شناختی او و نگاهش به قرآن برخاسته است. در شاخص چهارم یعنی مخاطبان قرآن نیز تفاوت دو کتاب جدی است به طوری که سهم انطباق نمایه‌های کلینی، دو برابر بخاری است^۱ (بیشتر در خصوص مقایسه نمایه‌های دو کتاب و خاستگاه آن، نکته‌هایی گفته شد). دو کتاب، در شاخص سوم یعنی پیامبر ﷺ به لحاظ کمی چندان تفاوتی ندارند، اما به نظر می‌رسد هیچ یک انطباق کامل با گستره مفهومی این شاخص نداشته و رویکرد به پیامبر ﷺ را به عنوان کسی که قرآن را از جانب خداوند دریافت کرده و به مخاطبان رسانده است، چندان مورد توجه قرار نداده است.^۲

انجام تحقیقی که پیشتر پیشنهاد شد، مکمل تحلیل فوق و سنگ محکی خواهد بود

۱. نمایه‌های کلینی: اهمیت قرائت زیبای قرآن، ضرورت آموزش قرآن، ضرورت ترتیل خوانی، ضرورت تلاوت از مصحف، قرآن و آخرت، قرآن و زندگی، قرآن و نماز، فضائل السور، فضیلت تلاوت قرآن، آثار تلاوت قرآن، انسان و قرآن، اصناف مردم در تعامل با قرآن، پاداش سختی در راه قرآن، جایگاه اهل قرآن، اهمیت قرائت زیبای قرآن، رفتار بایسته با قرآن. نمایه‌های بخاری: برتری امت اسلام بر یهود و...، اصناف اهل قرآن، انس با قرآن، آثار تلاوت قرآن، حکم فقهی، قرآن و زندگی، اهمیت آموزش قرآن، اهمیت و ضرورت حفظ قرآن، رفتار بایسته با قرآن.
۲. نمایه‌های منطبق با این شاخص در دو کتاب کافی: احرف سبعة، کتابت قرآن، جمع قرآن، قرآن و اهل بیت، قرآن و پیامبر. و بخاری: شأن پیامبر اکرم، توحید مصاحف، جمع قرآن، احرف سبعة، کاتبان وحی، قرآن و پیامبر، پیامبر و فراموش کردن قرآن.

تا هر کتاب و مجموعه حدیثی درباره قرآن را عیارسنجی کند و ضمن یادآوری کاستی‌ها، نقاط قوت را تأکید کند.

نتیجه‌گیری

۱. علو معنا، هم‌زمانی با فطرت انسانی و عقل‌گرایی حاکم بر مفاد روایات، ویژگی‌های برجسته روایات کلینی است که عمده‌ترین زمینه تفاوت میان روایات دو کتاب است. ریشه این تفاوت در مسائلی چند است:

نخست: اینکه محدثان شیعه به ویژه شخصیت‌هایی چون کلینی، تربیت یافته مکتب اهل بیت علیهم‌السلام هستند و در مقابل، محدثانی چون بخاری از چنین معلمانی برخوردار نبوده‌اند و از همین رو، نگرشی بعضاً ناراست از دین و عناصر آن دارند. این تفاوت نگرش، به طور مستقیم در گزینش و اولویت‌سنجی روایات ایشان مؤثر است.

دوم: اینکه بر اساس مبانی حدیث‌شناسی شیعه، تنها منبع روایات، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام هستند. به عبارت دیگر، تعالیم شیعی، تنها برگرفته از زلال معارف اهل بیت علیهم‌السلام است. اما مبانی حدیثی اهل سنت، از چنین انحصار اصالت‌آفرینی تهی است؛ چرا که در جوامع حدیثی ایشان، سهم نقل از منابع اصیل دین یعنی اهل بیت علیهم‌السلام در برابر روایات صحابه و تابعان، ناچیز می‌نماید. کافی است ناقلان روایات دو کتاب کلینی و بخاری را با هم مقایسه کنیم: کلینی بیشترین روایات (۷۵ روایت) را از امام صادق علیه‌السلام و سپس از امام کاظم علیه‌السلام (۲۰ روایت) آورده است. این در حالی است که بیشترین روایات بخاری از شخصیت‌هایی چون ابوهریره، عایشه، عبدالله بن عمر، ابوسعید خدری، ابوموسی اشعری و انس بن مالک است. به نظر نمی‌رسد وزن و اعتبار این دو دسته راوی نیازمند شرح و توضیح باشد.

۲. در خصوص اعتبار روایات، نیز کلینی پیشرو است. گزاره‌هایی مانند اعتماد بخاری به قوت حافظه و رویکرد او به «نقل به معنا» و اینکه گاه روایتی را در شهری اخذ نموده و در شهری دیگر اقدام به ضبط آن می‌کرده است، حاکی از این است که در پذیرش روایات بخاری باید با احتیاط بیشتری عمل کرد. حال آنکه کلینی به جهت تأکید بر نص حدیث و پرهیز از نقل به معنا، «اضبط محدثین» شمرده می‌شود.

بگذریم از اینکه تکمیل کتاب بخاری توسط خود او نیز محل تأمل است^۱ و کافی بدون هیچ تأمل، تألیف کلینی است.

۳. درباره تفاوت ساختار و پیکره‌بندی موضوعات دو کتاب نیز می‌توان گفت که مفهوم «باب» در کافی، بیشتر به معنای اصلی خود - در برداشتن دسته‌ای از روایات که از نوعی وحدت موضوعی خاص برخوردارند - نزدیک است. چنان که در ابواب کافی، موضوع هر باب آن قدر جزئی نیست که با یک یا دو روایت به ثمر برسد. اما در کتاب بخاری، باب‌هایی با تنها یک روایت، بسیار کم به چشم می‌خورد.

در مقوله «تناسب برخی احادیث با باب مربوطه» نیز در کافی کمتر بایی است که در بردارنده روایتی خارج از موضوع خود باشد. این در حالی است که در کتاب بخاری به مواردی قابل توجه برمی‌خوریم که نسبت روایت با عنوان باب نیازمند توجهاتی دور و پرزحمت است.

۴. در مجموع، ارائه تصویری فاخر، شایسته قرآن کریم، همسو با اهداف اصلی نزول قرآن، متناسب با شئون پیامبر ﷺ به عنوان گیرنده وحی، و برخورداری از اصالت و اعتبار نقلی، بیشتر در کتاب کلینی به چشم می‌خورد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. برخی تکمیل نهایی الصحيح را به عنوان یک کتاب، کار حافظ ابوذر هروی می‌دانند (قسطلانی، ۱۱۱۱: ۲۳/۱، به نقل از: نجمی، ۱۱۱۱: ۱۶۴).

کتاب‌شناسی

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، *الجامع الصحيح المسند من حديث رسول الله و سنته و ايامه*، بيروت، ۱۱۱۱ ق.
۲. پاکتچی، احمد، *تاریخ حدیث* (سلسله دروس «تاریخ حدیث») رشته الهیات، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۸ ش.
۳. حجت، هادی، *جوامع حدیثی شیعه*، تهران، سمت و دار الحدیث، ۱۳۸۸ ش.
۴. عمادی حائری، سیدمحمد، *بازسازی متون کهن شیعه (روش، تحلیل، نمونه)*، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۸ ش.
۵. قسطلانی، ابوالعباس شهاب‌الدین، *ارشاد الساری لشرح صحیح البخاری*، بیروت، دار الفکر، ۱۱۱۱ ق.
۶. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تحقیق محمدحسین درایتی، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۷ ش.
۷. محرابی، امیرحمزه، «معرفی روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد برای تحقیقات اسلامی»، *مدیریت فرهنگ سازمانی*، سال نهم، شماره ۲۳، ۱۳۹۰ ش.
۸. مدرسی طباطبایی، حسین، *میراث مکتوب شیعه*، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۱۳۸۳ ش.
۹. نجمی، محمدصادق، *سیری در صحیحین*، قم، بوستان کتاب، ۱۱۱۱ ق.

